

بررسی ریشه های تاریخی در مثنوی " احوال ملک کشمیر "

دکتر مدثر نظر

استاد موقتی دانشکده دوده

چکیده:

سربازانی چیره دست افغانان در سال ۱۱۶۸ هـ کشمیر مسخر کردند و مملکت این دیار را تحت تسلط خود در آوردند. عبدالله خان اولین استاندار ناحیه کشمیر شد بعد از گردش زمانه سکه جیون مل را بر تخت کشمیر نشانند موصوف اولین کس می باشد که برای نوشتن تاریخ منظوم کشمیر هفت تن از شاعران این دیار را مقرر نموده موسس انجمن شعرای کشمیر شد. ملا محمد توفیق کشمیری ملک الشعرای دربار سکه جیون بود که در باب تاریخ کشمیر مثنوی " احوال ملک کشمیر " به رشته تحریر در آورد. مثنوی مذکور در باب تاریخ ارزش زیادی دارد که موجب ذکر مقاله است.

واژه های کلیدی: ریشه ها، مثنوی، بی بدیل، مسخر، مدافعت، هموندگان، اساس، استاندار، ارزش.

متن مقاله:

ملا محمد توفیق معروف به لاله جویکی از شاعران نام چین دوره افغانه است که حدود در سال ۱۱۰۸ هـ در شهر سریناگر چشم بجهان گشود. ۱- درباره تحصیلات وی اطلاعی بهم نرسیده اما از کلام وی آشکار شود که در علوم متدا وله مهارت کلی داشت. در زمینه شعر از شعرای نام چین زمان خود ملا عبدالحکیم ساطع و محمد رضای مشتاق اصلاح شعر میگرفت و زانوی تلمذ تهیه نمود. ۲- چنان که ذکر گذشت وقتی سکه جیون مل انجمن شعرای کشمیر را بنا نهاد هفت تن از شاعران این دیا را برای نوشتن شاهنامه مامور ساخت و توفیق را ملک الشعرای دربار خود برگزید. ۳- توفیق در شعرگونی در زمان خود مثل نداشت توفیق تخلص میکرد. غزل زیر بر طبع موزون وی دلالت میکند
آن چشم سارا من خوش می شناسم آن ترک خود نما را من خوب می شناسم

حرف وفای خود را با دیگران بگویند ای گلرخان شمارا من خوب می شناسم
 خواهد گرفت توفیق دامن وصلت آخر ابرام این گذارا من خوب می شناسم ۴-
 شاعر آئینه جامعه خود می باشد و شعر او آئینه افکار و عقائد او را آشکار
 سازد - ملا توفیق در زمانی زیسته است از دوره های پر آشوب و پرفتن بوده
 است و شعروی ابزار تخیلات و کیفیات درونی شاعر اند - علاوه ازین بر علم
 نجوم فلسفه و موسیقی هم دست تامه داشته است. برای ادراک ذوق
 موسیقی وی اشعار زیر ملا حظه کنید:

شاهد نغمه اگر پرده گشامی گردد کار عشاق مغنی بنوا میگردد
 مطربا بهر خدا سخت بجانم از غم دل دهی کن نفسی باز رهانم از غم ۵-
 درباره عقاید و افکاروی حرف زدن باعث طوالت این مقاله خواهد شد و زندگی
 نامه او هم به دارز خواهد کشید. پس باید به مثنوی وی احوال ملک کشمیر
 پردازم. توفیق علاوه از دیوان غزلیات، رباعیات، مخمس، قصاید، مستزاد و
 ترکیب بند، مثنوی بنام عزیز و شاهد هم دارد که در کتابخانه تحقیق و اشاعت
 حکومت جامو و کشمیر مضبوط است. احوال ملک کشمیر که توفیق بنا بر
 حکم سکه جیون نوشتن آغاز کرد در باب تاریخ نکات دقیق در خود دارد که
 آنها را شرح بیسپ خواهم کرد.

مثنوی احوال ملک کشمیر راجع به نکات تاریخی ارزش گر انمایه دارد علاوه ازین
 در باب ثقافت هنر و معماری توفیق هم شعری شرین سروده مثنوی مذبور
 حدود ۱۸۸۸ اشعار دار و چندین از اوراق نسخه مذبور کرم خورده اند و می
 توان گفت نسخه نا تمام است. مثنوی مذبور از اشعار زیر شروع می شود:

خدایا همه ملک امکان ترا است	شهان بنده فرمان و فرمان ترا است
فرازان هفت منظر تویی	فروزنده چشم اختر تویی
هم از تو بیم و هم از تو امید	بد سنت چومهره ار سیاه ورسفید
تویی مالک تخت و تاراج شهی	یکسری بخشی و ستانی دهی
زتو پرده سوی تن جان پاک	زتو مصدر گل شش جزو خاک ۶-

آغاز مثنوی بر اویت مثنوی سرانی از از مننه قدیم همین است که ابتدائی گفتار تاریخی، عشقی یا رزمی از حمد خدائی بزرگ و برتر می شود. بر همین علت توفیق از حمد خدائی متعال ابتدائی مثنوی خود کرده بعد به نکته بهار و باران کشمیر پرداخته است

زنا خن زدلها گره بازکن	بیا مطربا نغمه سازکن
زیاران بسازطرب نیست نار	یکن داستان سرکه ابربهار
دگر لاله ازدشت سرزده است ۷	دگر گل به گلشن علم برزده است

بعد از آن از بی وفائی و بد مهری جهان سخن ها گفته می گوید:

چگونم که کی پُکن وکی بده	رود وقت ما گویمت بده
نشاط جهان را حریفان بسی است	بهر لحظه چومی بکام کسی است ۸

بعد از سخن های سرد و سخت درباره فنا پذیری دنیا و نشاط جهان به داستان اصلی مثنوی پرداخته که در باب تاریخ مهم است. در اشعار زیر توفیق در مدح و تخت نشینی یوسف شاه چک سخن سروده است می گوید:

چنین کرد استاد رنگین سخن	گل رفته را باز زب چمن
که چون گشت کشمیر بار دگر	بفرمان یوسف شاه نامور
دل مردم شهروده کرده شاد	بجود و بیخشش بعدل و بداد
رسوم ستهمای شاهان پیش	بهم برزدن ساخت آئین خویش
به اخلاق نیکو به نیکوروش	به تدبیر و احسان بداد و دهش ۹

چنین کرد استاد رنگین سخن

در اشعار بالا توفیق درباره تخت نشینی یوسف شاه چک سخن رانده است و می گوید که عدل و حلم را روح داده است. چون چکان در زمانی بودند که توفیق در ملک ازل مقیم بود پس باید دانست که از تواریخ قدیم برگرفته به پیرا به شعر برگردانده است. الا از واقعی که در زیر نقل شود گمان بریم کی تحت تاثیر و افعات کشمیر شعرهای سروده است. پیامی که بنا به گفته اعظم دیده مری به دربار یوسف شهی رسانده اند به پیرا به نظم در آورده است می گوید:

که اوراست فرمان بفرمان دهان	بانم شهنشاه شاهنشهان
سوا و بیاض نظر آفرین	خداوند شام و سحر آفرین
کس بیکسان وارث و اپسان	جهاندار جان بخش روزی رسان
گل از خار و آئینه آردزسنگ	ازوباد بیتاب و آتش بتاب

اشعاری که در مورد آغاز نامه اکبر سروده شده است، طرز نگارش مغولان و کتابت شان رانشان می دهد یعنی مغولان مکتوب های خودشان از حمد خدای متعال شروع میکردند بعد از آن به مطلب اصلی مکتوب می رسد و درباره مضمون اصلی مکتوب می گوید:

تعقل بکن خار خود گل بکن	هنوز است وقت تعقل بکن
ازین سرکشی باز آ ! باز آ!	ز سرسوی درگاه ما ساز پا
دهم کشورت رابسیل بلا	بکش سرزکاری که چینم زجا
ببین ابرخونبار شمشیر من ۱۰	مکن رو بهی بادل شیر من

بعد از شنیدن این نامه یوسف به تذبذب و تعقل افتاده با امرا و وزرای خود مشورت کرد گرچه آنها راجع به آن نامه پیشنهاد آمادگی جنگ دادند ولی شاه یوسف سخن سرد و اتحاد گفت. توفیق همه احوال دربار یوسف شهی را به شعرهای برگرداننده است و می توان گفت که منظر دربار یوسفی به نظر قاری رقص کنان می خورد. راجع به قوت افواج شاهی توفیق چنین آورده است

زشیخ وزسید زمیروزخان	زنامی دلبران هردودنام
سپاهی فزون تر زحدوقیاس	بسررداری راجه بهگونت داس
بتسخیر کشمیر جنت نمود	راوان ازراه باره موله نمود ۱۱

درین باب توفیق ذکر تسخیر کشمیر کرده و از افواج شاهی سخن گفته است بعد ازان راجع به تخت نشینی نورالدین جهانگیر شعرها سروده است. چون جهانگیر راجع به کشمیر عشق زیاده و زید و به دل و نشاط سیر و تفریح می نمود محفلها می آراست به شاعران، ادیبان، طربان و جز آن عشق بی مثل در دلش داشت. محفل مشاعره، نغمه و نی می آراست.

راجع به این امر شعرهای زیر را ملاحظه کنید:

گه از شاعران فیض صحبت گرفت	گه از مطربان کام عشرت گرفت
نبودش قراری جزاهل سخن	شب و روز در خلوت و انجمن
اگر ذهنی و رندیم ار سلیم	اگر قدسی ار صائب و رکیم
همه مایه انداز گنج او ۱۲ هـ	همه بلبان شاسنج او

علاوه ازین راجع به شامجهان و مصاحبان او در کشمیر سخن ها رانده و نکات تاریخ درج کرده است. درباره اورنگ زیب هم نکته های جاذبی به شعر بر گردانده است. مثنوی مذبور درباب تاریخ شاهی کشمیر و هند از زمانه چکان تا دوره اورنگ زیب عالمگیر نکات پر ارزش در خود دارد. مثنوی متذکره بر واقعه زیر تمام شود که در عهد اورنگ زیب روی داد. آنوقت سیف خان استاندار کشمیر بود که غلام محمد نقشبندی را زبرد خاره در آورده به قتل رسانید توفیق درباره واقعه متذکره چنین می گوید:

شداز جوش غیرت برون جان پاک	ز آب و گل آن تن زخمناک
بد نیا مکافات اعمال زشت	دهد حق بپاگان نیکو سرشت
شود پیشش آلوده ذلتی ۱۳ هـ	که فردا نخواهد از تهمتی

درین مثنوی راجع به ایالت کشمیر سخن های تاریخی گفته شده است. مثنوی مذبور راجع به ثقافت و فرهنگ، اقتصاد و سیاست سخن های در خود دارد. از زمان چکان یعنی لومرچک، یوسف چک، بابا خلیخی ذکر زیادی شده و علاوه بر آن ذکر مغولان مثل میرزا حیدر، میرزا یعقوب، راجه بهگونت داس و شاهان چغتانه دیار کشمیر سخن های تاریخی به رشته تحریر در آورده شده است

من ا الحیث المجموع می توان گفت که توفیق در تتع شاهنامه فردوسی کو شیده و رفتار عادلانه کرده است. از مثنوی مذبور درباره ملک کشمیر، تاریخ آن و ثقافت این دیار نکات پر ارزش توان دریافت این اولین مثنوی رزمیه کشمیر می باشد که راجع به جنگ های مختلف شواهد دارد. " احوال ملک کشمیر " را مثنوی رزمی می توان شمرد.

منابع و حواشی

- ۱- خزانه عامره ، آزاد بلگرامی ، نولکشور کانپور ۱۹۰۰ م ، ص ۱۱۵
- ۲- تاریخ حسن - جلد چہارم ، غلام حسن کھویہامی ، محکمہ تحقیق و اشاعت ۱۹۹۷ م
ص ۴۴-۴۵
- ۳- فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ- بسمہ کتاب گھر دہلی ، تاریخ اشاعت درج نیست ،
ص ۲۱۱
- ۴- دیوان توفیق ، وصی اختر ادارہ تحقیقات عربی فارسی پٹنہ بہار ، ۱۹۸۹ م ، ص ۴۶
- ۵- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۱۷۴-الف۔
- ۶- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۱۹۴-ب۔
- ۷- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۱۹۶-الف۔
- ۸- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۱۹۶-ب۔
- ۹- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۱۹۸-الف۔
- ۱۰- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۲۰۲-ب۔
- ۱۱- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۲۰۹-الف۔
- ۱۲- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۲۶۳-الف۔
- ۱۳- کلیات توفیق ، توفیق کشمیری ، نسخہ خطی ، محکمہ تحقیق و اشاعت سری نگر ، و
۲۷۳-الف۔